

فتنه

۶۵

ویژه‌نامه مدافعان حریم

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

۱۰ دی‌ماه ۹۴ | ۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ | شماره ۶۵



جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم فتنه از تهران تا شامات

همه علیه خط مقاومت
حتی دولت!

پس از رخدادهای بیداری اسلامی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا، جریان استکباری تمام تلاش‌های خود را برای انحراف این قیام‌ها آغاز کرد. کشور سوریه یکی از مهم‌ترین ارکان محور مقاومت آستن تحولاتی شدید شد و تیر اسلحه‌ها به جای مشروعیت شعارهای برتری طرفین را مشخص می‌کرد و به سرعت جریان تکفیری با کمک غرب در سوریه جنایت‌های خود را آغاز کرد تا کمر محور مقاومت شکست شود. اما طنز تلخ دوران ما این است که در میان دشمنی‌ها برای محور مقاومت، دولت یازدهم هم کمر بر مخالفت خونی با اقدامات سربازان روح الله بسته است. از کاهش بودجه برای نیروهای مستشاری تا سنگ اندازی برای ادامه فعالیت‌ها به نحوی که سفر محمد جواد ظریف به وین برای دیدار و گفتگو با جان کری نه تنها به معنای نادیده گرفتن تأکیدات مکرر رهبر انقلاب مبنی بر ممنوعیت مذاکره با آمریکا در موضوع‌های غیر هسته‌ای است، بلکه به معنای نقض رسمی دستورالعمل ایشان در تاریخ ۱۵ مهر ۹۴ مبنی بر ممنوعیت هرگونه مذاکره با آمریکا نیز محسوب می‌شود. دولت مردان پیر دولت یازدهم باید بدانند که سیاست منطقه‌ای کشور تغییر نکرده است و محور مقاومت برجام‌ننگین دیگر نیست که سر میز مذاکره معامله کنند و عکس دشمن را با ذوق در صفحه اینستاگرام خود منتشر کنند؛ محور مقاومت با خون دل مادران، با غم بی‌پسری پدران جان گرفته است. برای محور مقاومت سردار همدانی‌ها، ناجی‌علی‌ها، حسین‌عبدالله رکین‌ها، حامد جوانی‌ها و... خون دادند تا همچنان پایدار باقی بماند و با خنده آقای دیپلمات فروخته نشود.

سوریه. شهید فتنه سوریه باشی در دفاع از حرم دختر علی یا شهید فتنه ۸۸ در دفاع از حریم ولی. فرقی نمی‌کند، تو آن را نعمتی می‌دانی که باید در برابر آن به بهترین نحو برخورد کنی تا بتوانی از گذر تاریخ عبور کنی و خود را وارد مرحله‌ای دیگر کنی. فتنه را بحران مپندار، آن را «بلا» ببین تا برای حل آن حاضر باشی جان خود را نیز فدا کنی که «البلاء للولا». فتنه ۸۸ را تجربه تاریخی و عبرتی می‌دانی که آن را با تمام هزینه‌هایش به جان می‌خری؛ چرا که تو را رشد می‌دهد. اما مراقب باش که فتنه را تمام شده نبینی. این تازه اول راه است. تا انسان هست «فتنه» هست؛ چرا که تا انسان هست «بلا» هست و تو موظف شده‌ای که در دوران فتنه خوب بشناسی و عمل کنی تا بتوانی عرصه را برای آمدن منجی فراهم آوری. هنگامی که از امتحان و فتنه‌های پیروز بیرون می‌آیی منتظر فتنه‌های سخت‌تر باش که این سنت الهی است. امروز دوران من و توست. نوبت من و تو. و در یک کلام: «امروز نوبت اسلام است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۸)

وقتی نگاهمان به فتنه اتفاق و رویدادی عادی در روزگار باشد فقط خودمان را می‌بینیم و اتفاق را. اما اگر فتنه را «بلا» دیدیم، در خودمان محدود نمی‌شویم. آن را در گستره عالم می‌بینیم و برای رفع آن تلاش می‌کنیم. اگر فتنه را «بلا» و «امتحان» ببینیم آن را نعمتی می‌دانیم که پیروز شدن در آن شکر نعمت است و شکست در آن، کفر نعمت. نعمتی برای رشد؛ نعمتی برای شناخت بهتر

**فتنه ۸۸ باشد در
ایران یا فتنه داعش در
سوریه. شهید فتنه سوریه
باشی در دفاع از حرم
دختر علی یا شهید فتنه
۸۸ در دفاع از حریم ولی**

عرصه و زمان. با این تفاوت که بلا نعمتی است که با تو تا آخر عمر همراه است و تو باید خود را موظف بدانی که با آن روبرو شوی و دست و پنجه نرم کنی تا شکرش را به جا آورده باشی. اگر فتنه را بلا بدانی در هر جای عالم هم که باشی و فتنه‌ای تو را در آنجا محاصره کند، تو هم در میدانی برای رفع آن. فتنه ۸۸ باشد در ایران یا فتنه داعش در

می‌گفتیم «جنگ جنگ تا پیروزی»؛ فرمود «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم». همان روزگار نیز نفهمیدیم چه می‌گوید. جنگ را در جنگ می‌دیدیم و پیروزی را در پیروزی. «جنگ جنگ تا پیروزی» کامل نمی‌دانست. «اگر ما پیروز هم بشویم یک کمی فتنه را کم کردیم، اگر ما به جای دیگر هم پیروز بشویم، باز یک جای کمی پیروزی حاصل شده است. اگر همه دنیا را هم ما فرض کنید که جنگ بکنیم و پیروز بشویم، باز همه‌ی دنیای عصر خودمان را پیروزی درست کردیم. و قرآن این را نمی‌گوید، فتنه»؛ باید رفع فتنه از عالم بشود. (صحیفه امام، ج ۱۹)

آن موقع ما تنها خودمان را می‌دیدیم و او عالم را. شاید در همان دوران، فتنه را هم خوب درک نمی‌کردیم، چه پرسیده‌آنکه رفع فتنه از عالم مدنظرمان باشد! هرچند که شاید در این روزگار نیز فتنه را درست درک نکرده باشیم. فتنه را اتفاق می‌دانیم؟ فتنه را یک مسئله‌ی روزمره در زندگی می‌دانیم یا آن را غباری می‌دانیم که می‌آید و می‌رود؟

سربازان خمینی در سرزمین شام

چرایی حضور ایران در معرکه سوریه



جبهه همان جبهه است و دعوا همان دعوا! جریان حق در مقابل جریان باطل. روزی در در صحرای کربلا این نبرد به نمایش آمد و امروز هم در سرزمینی همچون شام. در این میان مهم آن است که جای خود را پیدا کنی، در میان لشکر باطل هستی یا در میان سپاهیان حسین و یا مقدس مآب خود را در این معرکه نمی‌اندازی!

این روزها در همین نزدیکی عده‌ای وحشی به جان سوریه افتاده‌اند و میلیون‌ها مرد و زن و کودک و پیر را قربانی امیال خود ساخته‌اند. سربازان خمینی راهی جبهه حامیان مظلومان شده و عزم جهاد و نبرد می‌کنند. در ذهن این سوال پیش می‌آید که ایران چه ربطی به سوریه دارد و چرا عده‌ای قصد عزیمت به سرزمین شام کرده‌اند؟!

برای آنان که مرز انقلاب حضرت روح الله را در تقسیم‌بندی جغرافیایی می‌دانند شاید فهم و درک آن کمی سخت باشد. برای کسی که مبارزه و جنگ را تنها یک دعوای دو طرفه می‌داند شاید به خوبی نتواند تحلیل کند. اما باید داستان را کمی فراتر نظاره کرد، آنجا که پای حق و باطل در میان است و ماجرای مقاومت یا

سازش! آخر برای آن‌هایی که خود را کدخدای عالم می‌دانند سخت است که مقاومت را در مقابلشان ببینند، برایشان دشوار است که کسی زیر بار سیاست‌های پلیدشان نرود. ماجرا را باید بهتر دید، آنجایی که رهبر انقلاب موضوع مقاومت را در موضوع سوریه عامل این جریانات می‌دانند: «ماجرای سوریه ماجرای انتقام‌گیری از حکومتی است که سه دهه به‌تنهایی در برابر صهیونیست‌های غاصب ایستاده و از گروه‌های مقاومت در فلسطین و لبنان دفاع کرده است». (رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۸/۴) حضور جمهوری اسلامی ایران در

که سلطه‌طلبان بین‌المللی به کمک دولت‌های منطقه‌ای گوش‌به‌فرمان، در کشوری به بهانه‌ای بحران بیافرینند و آن‌گاه به دستاویز وجود بحران، خود را به ارتکاب هر جنایتی در آن کشور مُجاز شمارند، خطری جدی است که اگر دولت‌های منطقه بدان نپردازند، باید منتظر فرارسیدن نوبت خود از این خدعه‌ی استکباری باشند». (رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۸/۴)

جدای بررسی تمام علت‌های حضور مجاهدان ایران اسلامی در نبرد سوریه، علت اصلی را سربازان حضرت روح الله از اندیشه انقلابی آن پیر فرزانه گرفته‌اند، آنجایی که حمایت از مظلوم و مقابله با ظالم را رویکرد انقلاب اسلامی در برخورد با مسائل جهانی می‌دانند: «ما طرفدار مظلوم هستیم، هرکسی در هر قطبی که مظلوم باشد»

جبهه همان است و تاریخ گواه فرزندان انقلابی خمینی خواهد بود که با تبعیت از اندیشه‌های الهی او در هرکجای عالم فریاد مقابله با ظلم و غارتگری را سر داده و هرگز یابوه‌گویی‌های عده‌ای آن‌ها را در مسیر حمایت از مظلوم و سردادن ندای حق سست نکرده است.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى اَبْنِ اَبِي سَرِيْحٍ وَعَلٰى اَبْنِ اَبِي سَرِيْحٍ وَعَلٰى اَبْنِ اَبِي سَرِيْحٍ وَعَلٰى اَبْنِ اَبِي سَرِيْحٍ وَعَلٰى اَبْنِ اَبِي سَرِيْحٍ وَعَلٰى اَبْنِ اَبِي سَرِيْحٍ



مدافع حریم! چه واژه‌ی عجیبی. اولین بار که این واژه به گوشم خورد یاد جملات آتشین حضرت امام، در دفاع از حریم مستضعفین عالم افتادم: «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرهنگها و مرفهین بی‌درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله‌بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می‌بوسم...» از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی مبارزه با استکبار و دفاع از حریم حق و مستضعفان عالم بود. آرمان فلسطین و دفاع از گروه‌های مقاومت، حمایت از حزب‌الله لبنان، حضور ما در آفریقا، دفاع از مظلومان بوسنی، افغانستان، عراق، حمایت از بیداری اسلامی و این روزها نبرد در مرزهای «وطن توحیدی» مان با استکبار و داعش همه در راستای همین آرمان است. تمدنی که طلیعه آن با انقلاب اسلامی آغاز شده بود

آرمانشان بسیار بالاتر از دفاع از حرم آل الله بود... اینک انگار سپاه جهانی مدافعان حریم حق در سراسر جهان به راه افتاده و کوله‌بار مبارزه بر دوش گرفته‌اند تا آماده نبرد نهایی حق علیه باطل شوند...

مرزهای حریم دنیای حق را شفاف‌تر کرد. مرزهایی که نه در ملیت ما محدود می‌شد و نه در شریعت ما. هر جا مظلومی و مستضعفی بود انقلاب اسلامی داعیه‌دار دفاع از آنان بود. مدافعان حریم حق که

سوریه برای ما خط قرمز است

سوریه برای ما خط قرمز است. سرزمین شام معراج ماهه سوی آسمان است و یقیناً گورستان آمریکایی ها خواهد شد. هر سرباز آمریکایی که از هواپیما پایین می آید باز ناو خود بر خاک سوریه پامی گذارد، باید تابوتش را با خودش حمل کند.

سردار حاج قاسم سلیمانی

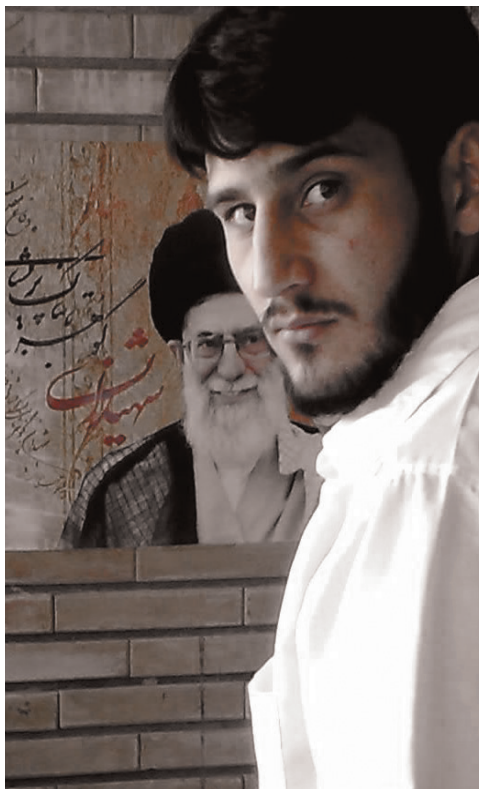
لک



اگر مسلمانی از این غم بمیرد عیب نیست!

بخشی از وصیت نامه شهید مدافع حرم **حجت اصغری**

ایزدی و مسلمانان و مسیحی را در عراق درون قفس در بازارهای موصل مانند برده بفروش می‌رسند! و ما از این وقایع تلخ غم نمی‌خوریم که هیچ، تب هم نمی‌کنیم، چه برسد که بخواهیم بمیریم! ای کاش ذره‌ای همزادپنداری می‌کردیم و لحظه‌ای خود را جای برادران و پدران آنها قرار می‌دادیم. آیا واقعاً می‌توانستیم چنین چیزی را تحمل کنیم؟! شمایی که می‌گویید جنگیدن در کشوری دیگر کار اشتباهی است بدانید امام حسین (علیه‌السلام) در مدینه زندگی می‌کرد ولی در عراق و کربلا به شهادت رسید. امام حسین (علیه‌السلام) برای احیای دین جدش و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردند و این نیز خود گواهی برای ماست که ببینیم چگونه تاریخ در حال تکرار شدن است و چگونه یزیدیان زمان زمام امور را در دست گرفته‌اند؟ و چگونه چهره اسلام را با تفکری صهونیستی و تکفیری که آمیزه‌ای از تفکرات یهود است مخدوش می‌کنند و با معرفی اسلامی پر از توحش و معرفی آن به جهانیان هستند هرکس به نوبه خود باید تکلیف خود را ادا کند و قدم در راه مقتدای خود حسین بن علی (علیه‌السلام) بگذارند...



شاید ما در راهی قدم می‌گذاریم که شاید بگویند خارج از وطن است یا دور از وطن است. ولی عقیده بنده این است که دین اسلام محدودیت ندارد و دین فراتر از کشورها و وطن‌هاست و اگر هرکسی به خداوند عزوجل اعتقاد دارد باید در راه احیای دینش جهاد کند و امر به معروف و نهی از منکر بپردازد. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: هرکس صدای ندای مسلمانی را بشنود و به او یاری نرساند مسلمان نیست. و ما چگونه ادعای مسلمانی داریم که جای جای دنیا مسلمانان را قربانی اهداف و افکار شوم خود می‌کنند و ما در آرامش به راحتی سر به بالین بگذاریم در صورتی که یک کودک و یا زن سوری و عراقی و یمنی و فلسطینی شب خواب در چشمانشان ندارند و چگونه مدعی شیعه بودن و محب بودن اهل بیت (علیه السلام) را داریم که در ماجرای در آوردن خلخال از پای زن یهودی که امام علی (علیه‌السلام) در این موضوع فرمود: اگر مسلمانی از این غم بمیرد برای او عیبی نیست! چگونه می‌توان در مورد این مسئله بی تفاوت بود در صورتی که در ممالک اسلامی زنان

گمنامان آسمانی

شما هم در سنت بازديد از خانواده شهدای افغان سهيم باشيد

این روزها جوانانی از یمن، بحرین، پاکستان، لبنان، عراق، سوریه و افغانستان به ندای آسمانی روح الله لبیک گفته‌اند. امروز نه مرزهای جمهوری اسلامی که مرزهای اسلام، سراسر گیتی را فراگرفته و عمق نفوذ اسلام هر لحظه بیش از قبل می‌شود. امروز شهدایی برای آرمان انقلاب اسلامی در خون خود می‌غلطند که تنها به ایران تعلق ندارند. در اطرافمان روز به روز بر تعداد شهدا افزوده می‌شود و بسیاری از شهدای افغانستانی که گمنام و به دور از هرگونه چشم داشت مادی زندگی می‌کنند. اما روا نیست که پیشکوهستان جهاد و شهادت در گرفتاری‌های مادی غرق شوند و ما فقط شعار دهیم. کلام آخر آن که اوضاع خانواده‌های شهدای مدافع حرم، برادران افغانستانی ما، اوضاع خوبی نیست و بی مهری‌های مردم و مسئولان زندگی را بر ایشان سخت نموده



داچویی از خانواده شهید افغانستانی / شهید سید مجتبی حسینی

یادواره شهدای

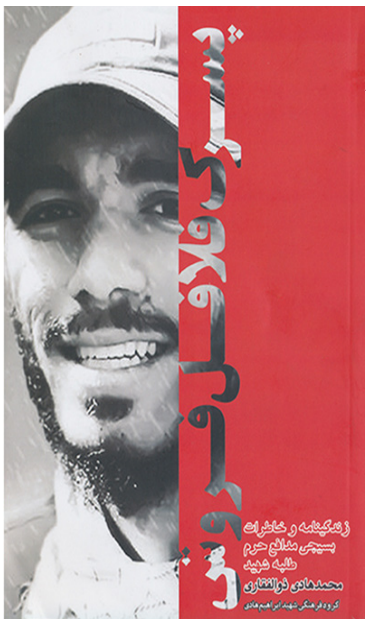
مدافعان حرم

سخنران
حجت‌الاسلام والمسلمین **علیرضا پناهیان**
مداحان
حاج صادق آهنگران
حاج عبدالرضا هلالی
حاج مهدی رسولی
حاج میثم مطیعی

بین لطائف قرآنی
یکشنبه ۱۳ دی ماه از ساعت ۱۸:۳۰

بازگه اینترنتی: Misaq.info

بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت
مسجد دانشگاه امام صادق علیه السلام
هیأت میثاق با شهدای بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام



گنجه‌های با

پسرک فلافل فروش

معرفی کتاب
خاطرات شهید
محمد هادی ذوالفقاری

از پسرچه‌های زبل و بازیگوش بود. کمی که بزرگ شد، تحت تاثیر دوستان ناسالم، درس را رها کرد. رفت و در یک فلافل فروشی کار کرد. اما هنوز باطن پاک خود را حفظ کرده بود. بچه‌های مسجد که مشتری او بودند توانستند او را جذب کنند. از آن روز انسان دیگری شد. هادی داستان ما، از سال ۸۴ مسیر هدایت را یافت و راه را به سرعت طی کرد، از بسیجیان فعال شده بود. بسیار برای شهدا و به خصوص برای شهید ابراهیم هادی وقت می‌گذاشت و کار می‌کرد. در ایام فتنه به خاطر آجری که به صورتش زده بودند مجروح و بستری شد. بعدها درسش را ادامه داد. به جای دانشگاه راهی حوزه شد. هادی در سال ۹۰ راهی حوزه علمیه نجف اشرف شد و درسش را ادامه داد. آنجا در کنار درس برای خانواده‌های محروم نجف کار می‌کرد، لوله‌کشی آب به صورت رایگان انجام می‌داد و..

یک بار که شدیداً به پول احتیاج پیدا کرده بود به حرم مولا علی علیه السلام رفت. مشغول زیارت بود که کسی او را صدا زد و یک پاکت به او داد. هادی زیارتش را ادامه داد. وقتی به خانه برگشت، با تعجب دید همان مقدار که احتیاج داشته داخل پاکت است. با شروع درگیری‌های داعش به نیروهای مردمی عراق پیوست. هادی ذوالفقاری که بعد از پایان جنگ به دنیا آمده بود راه شهدا را به خوبی شناخته بود برای رزمندگان عراقی از بسیجیان می‌گفت... هزاران چفیه و سربند برای آن‌ها خرید و در عملیات‌ها همراه آن‌ها بود. هادی ذوالفقاری در آخرین سفر وصیت‌نامه‌اش را نوشت و راهی سامراء شد. این طلبه شجاع در ۲۶ بهمن ۱۳۹۳ به همراه چند هم‌رزم دیگر در جریان انفجار انتحاری به شهادت رسید.

ویژه‌نامه یادواره شهدای مدافعان حرم؛ فتح

ماهنامه فرهنگی-سیاسی حیات | بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام

مدیرمسئول: مسعود حسنلو / جانشین مدیرمسئول: علی سلیمانی / سردبیر: محسن ذوالفقاری
دبیر تحریریه: مصطفی خلیلی / تحریریه: حامد صابر، مسعود ندافان، سعید فولادی و محسن رجبی
طراح: گروه طراحی خادم الشهداء / با همکاری: قرارگاه پژوهشی شهید حسن باقری دفتر امور شهدا

پایگاه اطلاع رسانی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق علیه السلام
basijisu.ir
misaq.info
hayat.basijisu.ir
Fath@basijisu.ir
[telegram.me/basijisu_ir](https://t.me/basijisu_ir)

پایگاه اطلاع رسانی هیئت میثاق با شهدا
تارغای ماهنامه حیات
رایانامه فتح
کانال تلگرام بسیج دانشجویی (شماره تلفن ۰۹۱۹۹۸۰۱۰۲۰)